

حوادث۱۹

تلنگر

شهادت مامور پلیس در درگیری با اشرا

درگیری ماموران انتظامی با اشرا در محور برمان منجر به زخمی شدن سه پلیس و شهادت یک نفر دیگر شد.

محسن گل محمدی، دادستان عمومی و انقلاب ایران‌شهر به فارس گفت؛ شامگاه دوشنبه در محور برمان به‌ریگان حدفاصل «شکیلومتری شمال شهر برمان، اشرا مسلح چهار نفر از ماموران انتظامی شهرستان برمان را با شلیک گلوله مجروح کردند، اشرا با یک دستگاه خودروی سواری از محل متواری شدند. این در حالی است که افراد زخمی به بیمارستان منتقل شدند. استوار یکم سیدمصطفی محبی‌پارسا یکی از ماموران زخمی صبح سه‌شنبه در بیمارستان به شهادت رسید.

آزار شیطانی پسر ۸ ساله به بهانه فروش ترقه

دو مرد شیطان صفت که به بهانه فروش ترقه در شب چهارشنبه‌سوری، پسر هشت‌ساله را قربانی نقشه شیطانی خود کرده بودند، دیروز پای میز محاکمه قرار گرفتند. یکی از متهمان پس از فرار به‌دربیل در آنجا مرتکب قتل شده بود. به گزارش خبرنگار جام جم، در آخرین روزهای سال گذشته بود که در نزدیکی شب چهارشنبه‌سوری، فکر خرید ترقه و وسایل آتش بازی به سر شروین هشت ساله افتاد. شروین به میدان گرمک رفت و همان موقع بود که یک دستفروش زمانی که متوجه شد پسر خردسال تنهاست، به او پیشنهاد داد برای خرید ترقه با قیمت ارزان‌تر همراه او به انبار ترقه برود. شروین بی‌خبر از نیت مرد مرد، همراه او رفت اما ساعتی بعد، کودک از محلی که مرد ترقه و فروش او را با خود برده بود، برگشت به کالانتری رفت و ماجرای تعرض آن مرد و همدستش را به ماموران گزارش داد.

با اطلاعاتی که شروین از مرد ترقه فروش معروف به جمشیدترقه در اختیار پلیس گذاشت، ماموران موفق به دستگیری او شدند، اما همدست او فراری بود. همدست جمشیدترقه چند بعد در ادربیل به اتهام قتل دستگیر شد و به تعرض به کودک هشت ساله هم اعتراف کرد. روز گذشته متهمان و شاک‌ی ولی قهری شاک‌ی یعنی پدر او در شعبه دوازدهم دادگاه کیفری یک استان به ریاست قاضی‌تولیت در تهران حاضر شدند. ولی قهری شروین بار دیگر شکایت خود را مطرح کرد و گفت از هر دو مرد به خاطر تعرض به فرزندش شکایت دارد.

جمشید در دفاع از خود گفت: آن روز کودک را به خانه بردم تا از انبار خانه به او ترقه بدهم. سعید که با هم دوست بودیم خانه من بود. وقتی از زیرزمین خانه بیرون آمدم متوجه شدم که سعید به او تعرض کرده است. من هیچ نقشی در این ماجرا نداشتم.»

سعید عکس ادعای همدستش را مطرح کرد و گفت: «آن روز خانه جمشید بودم که او این پسربرچه را خانه آورد و به او تعرض کرد. وقتی متوجه شد من جریان را فهمیده‌ام مرا تهدید کرد

به کسی چیزی نگویم.» قاضی‌تولیت خطاب به متهم گفت؛ ماجرای قتلی که مرتکب شدی چه بود؟ متهم گفت: با یک نفر درگیر شدم و به او ۳۲ ضربه چاقو زدم اما منجر به فوت او نشد. وقتی داشتم از صحنه درگیری فرار می‌کردم، یک نفر می‌خواست جلوبار را بگیرد که به او یک ضربه وارد کردم و فوت کرد. حالا از شاکیان رضایت گرفته‌ام.

دادگاه پس از شنیدن دفاعیات متهمان، ختم جلسه دادرسی را اعلام کرد و حکم پرونده پس از مشورت صادر خواهد شد.

کیفرخواست راننده پورشه جنجالی، صادر شد

کیفرخواست راننده پورشه در جریان تصادف با فرد رهاگدز به اتهام ایراد صدمه غیرعمدی منجر به فوت به‌دلیل بی‌احتیاطی در رانندگی صادر شد. علی اصفهانی، دادستان عمومی و انقلاب اصفهان به فارس گفت؛ برای راننده متخلف پورشه در دادسرا کیفرخواست با محوریت ایراد صدمه غیرعمدی منجر به فوت به دلیل بی‌احتیاطی در رانندگی صادر شده و پرونده برای محاکمه متهم به دادگاه ارسال شد.

این گزارش حاکی است، بامداد بیست و ششم اردیبهشت امسال راننده پورشه‌ای در خیابان کارگر اصفهان به‌دلیل رعایت نکردن فاصله طولی و سرعت غیرمجاز از جلو به پهلوی یک دستگاه پراید برخورد کرد و باعث مرگ راننده پراید شد. دوزر بعد از فرار متهم، او بازداشت شد.



سفر اربعین» صورت و در دستور کار قرار گرفت. بر مبنای این توافق، مَهر کنترل مرزی که توسط پلیس عراق در مرزهای ورودی به این کشور، بر گذرنامه زوار درج می‌شود، به‌عنوان روادید تلقی می‌شود، بنابراین زوار توجه کنند هنگام ورود به عراق اطلاعاتشان ثبت و مَهر کنترل بر گذرنامه‌شان درج و ثبت شود.

یعنی ارائه خدمات مطلوب به زائران اربعین و تسریع در این روند توفیق پیگیری موضوعاتی را دارند. در تداوم خدمات‌دهی پلیس به زائران، امسال پیرو جلسات متعددی که مسوولان ستاد اربعین کشور و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران با مسوولان وزارت کشور جمهوری عراق داشتند، توافقی مبنی بر «حذف ویزای

مهر کنترل مرزی، به منزله روادید سفر اربعین است

رئیس پلیس مهاجرت و گذرنامه ناجا گفت؛ امسال مهر کنترل مرزی گذرنامه زوار به منزله روادید تلقی می‌شود.

سرهنگ سیدمحمد رضا طبایی به سایت پلیس گفت؛ همه ساله مسوولان دستگاه‌های مختلف کشور در راستای تحقق یک شعار نانوشته و معنوی

گفت‌وگو با پدر عماد که برق جان پسر خردسالش را گرفت

پسرم تازه‌می‌خواست مدرسه برود

برگشت، فرشته مرگ همان لحظه شبپور را برای پسرکوپولو به صدا درآورد. پدر همان طورکه در غرفه‌اش مشغول به‌کار بود، مراقب پسرکوپولوش هم بود تا اتفاقی برایش نیفتد. یک لحظه که غرفه شلوغ شد؛ عماد برای بازی کردن به سمت میله داربست‌هایی که در چند متری غرفه پدرش بود، رفت و بدنش را روی آن انداخت. یکدفعه جرقه‌ای زد و تن نحیفش خشک و بی‌حرکت روی میله‌های داربست افتاد. چند دقیقه بعد، ناگهان صدای داد و فریاد و همهمه عجیبی در ورزشگاه پیچید. هر کسی چیزی می‌گفت؛ «این بچه مال کیه.... چرا اینجا افتاده و تکون نمی‌خوره.... چی شده.... انگار مرده.... یکی بره دکتر بپاره.... زنگ بزنید اورژانس!»

همه دور عماد جمع شده بودند که با صورتی سیاه روی میله‌ها افتاده بود. پدر عماد که متوجه تجمع تماشاچیان شده بود، دلشوره به جانش چنگ انداخت، با نگرانی به دوروبرش نگاه‌کرد و عماد را صدا زد. اما نبود. انگار یک قطره آب شده و به زمین فرو رفته بود. مشتری‌ها را رها کرد و خودش را به محل تجمع رساند. بدن کوچک عماد بین داربست‌ها گیر کرده بود. نزدیک‌تر که شد، با دیدن صورت سیاه شده پسرش از آن نهادهش بلند شد. زانوانش لرزید و روی زمین افتاد. افرادی که آنجا بودند، داربست را بررسی‌کردند و متوجه شدند برق در آن جریان دارد. برق آن را قطع کرده و عماد کوچولوی بی‌جان را از بین داربست بیرون کشیدند.

به محض آزادکردن عماد، اورژانس هم از راه رسید و بعد از انجام اقدامات اولیه درمانی به سمت بیمارستان حرکت کردند، اما عمر عماد کوچولو به دنیا نبود و در همان آمبولانس به سمت آسمان پر کشید. به‌خاطر مرگ عماد، محوطه ورزشگاه خیلی شلوغ شده بود و هر مسؤولی که به نوعی به مجموعه مربوط

یقۀ چه کسی را بگیریم؟

پدر عماد اصلا نای حرف‌زدن ندارد و کلماتش بی‌مرق است. یادآوری دوباره صحنه مرگ پسرش از هزار بار جان دادن برایش سخت‌تر است. او در مورد شب حادثه به جام جم می‌گوید: «من آنجا غرفه دارم و هر بار که به غرفه می‌رفتم، پسرَم نیز همراهم می‌آمد وکمک دستم بود. در تمام مدت کنارم بود و داشت بازی می‌کرد، اما یک لحظه غرفه شلوغ شد و عماد به روبه‌روی غرفه و جایی‌که داربست‌کشیده بودند، رفت. از صبح روز بازی که داشتم داربست می‌کشیدند، دائم با خودم می‌گفتم چرا اینجا می‌کشند، دلیل‌شان چیست که متوجه شدم برای نظم بخشیدن به ورودی ورزشگاه داربست کشیده‌اند. ساعت ۱۰ دقیقه به ۹ شب این اتفاق تلخ افتاد. یک طرف صورت پسرَم سیاه شده بود. اصلا نمی‌فهمم چه لزومی داشت آنجا داربست بزنند. برق‌چطور به داربست اتصالی کرده که باعث مرگ بچه من شده است؟ از مسوولان تاسیسات ورزشگاه آزادی بپرسید چه کرده‌اند. واقعا دست‌شان درد نکند باکاری‌که انجام دادند. من همین یک بچه را داشتم که او را هم به این آسانی و به‌خاطر یک بی‌احتیاطی که می‌شد نباشد و امنیتش را تامين کرد، از دست دادم. من نمی‌دانم وظیفه تامين امنیت ورزشگاه به‌عهده چه سازمانی است؛ نیروی انتظامی یا یگان ویژه. حوصله حرف‌زدن با هیچ‌کس را ندارم. حالم اصلا خوب نیست. پسرَم قرار بود به پیش دبستانی برود، اما با بی‌احتیاطی عده‌ای داغش به دل من مادرش ماند.»

تحقیق از پیمانکار

صبح دیروز پیمانکار جوان که مسؤولیت نصب داربست‌های محل حادثه را در استادیوم آزادی به‌عهده داشت و از شب قبل با دستور بازپرس مرادی، کشیک قتل دادسرای جنایی تهران بازداشت شده بود برای تحقیقات به دادسرای جنایی تهران منتقل شد و مورد تحقیقات قرار گرفت. مرد جوان در برابر اتهام تثبیت در قتل شبه عمد قرار گرفته است. همچنین با دستور قضایی قرار شد از شاهدان ماجرا تحقیق شود و دوربین‌های مداربسته محل حادثه مورد بازبینی قرار گرفت. همچنین هیات سه نفره کارشناسی در محل حاضر شود و موضوع را بررسی کنند تا علت دقیق حادثه و مقصران ماجرا مشخص شده و شکایت خانواده عماد نیز اخذ شود.

سعید مرادی، وکیل پیمانکار بازداشت شده پس از تحقیقات به جام جم گفت؛ موکلم همچنان با دستور قضایی وی در بازداشت به سر می‌برد. اظهارات او روز سه‌شنبه در شعبه دوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران اخذ شد و اطلاعات بیشتری نمی‌توانم در این زمینه ارائه دهم، چراکه باید منتظر نتیجه هیات کارشناسی باشیم که قرار است موضوع را بررسی کرده و میزان مقصر بودن پیمانکار اداره برق و مجموعه ورزشگاه آزادی را مشخص کنند.

بی‌مسؤولیتی مسوولان ورزشگاه



یکی از همکاران پدر عماد که در محل حادثه بود، گفت؛ «عماد به‌خاطر برق گرفتگی درجا خشک شده بود. ما از دروغگویی برخی سایت‌های خبری به شدت ناراحتیم. یکی از سایت‌ها نوشته بود که عماد به خاطر سهل‌انگاری پدرش دچار برق گرفتگی شده، در حالی که این ادعا دروغ است و طبق بررسی کارشناسان، داربست ۲۰ متر با غرفه پدر عماد فاصله داشت.»

همکار دیگرش هم گفت؛ «پوسیدگی سیم‌های برق ورزشگاه و وصل نبودن میله داربست به ارت، علت اصلی بروز این حادثه است. این اولین و آخرین باری نیست که چنین اتفاقی رخ می‌دهد و باز هم شاهد چنین حادثه تلخی خواهیم بود. وقتی هنوز آمادگی لازم از نظر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری وجود ندارد، چه اصراری است بلیت اینترنتی بفروشند. مسیبان این حادثه را به خدا واگذار می‌کنم.»

تزریق سم برای کشتن پیرمرد میلیاردر



مشروب مخلوط کرده و به مهران دادم. بعد از خوردن آن حالش بد شد و خواست او را به بیمارستان ببرم. با سعید تماس گرفتم و او به خانه مهران آمد. بعد از دیدن وضعیت پیرمرد اعا‌دا کرد با یک آمپول حالش خوب می‌شود. مهران هم به تصور این‌که سعید پزشک است اجازه داد به او آمپول تزریق کند. پسر مورد علاقه‌ام مقداری سم را به جای آمپول به مهران تزریق کرد که باعث مرگش شد. بعد از مرگ پیرمرد، جسدش را داخل صندوق عقب خودرو گذاشته و با سعید به چالوس رفتم. در آنجا ویلایی را اجاره کرده و شبانه جسد را در حیاط آنجا دفن کردیم. یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان در حساب مهران بود و می‌خواستیم آن را خارج کنیم که ماجرا لوفت و دستگیر شدیم. سرهنگ محمد نادریبگی، رئیس پلیس آگاهی استان البرز در این باره به جام جم گفت؛ با اعتراف دختر جوان، ماموران همدستش را دستگیر کردند و او پس از انتقال به اداره آگاهی اظهارات دختر را تأیید کرد.

وی افزود؛ پس از اعتراف متهمان، ماموران راهی ویلای موردنظر در چالوس شدند و جسد مقتول را کشف کردند. متهمان با دستور قضایی در بازداشت هستند و تحقیقات درباره ادعای آنها ادامه دارد.

قتل مرد نانوادر خیابان

جوان پیک موتوری در جریان دعوی خیابانی کارگر نانوایی را با ضربه چاقو به قتل رساند. به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، ساعت ۱۰ صبح ۲۵ شهریور امسال همزمان با شنیده شدن صدای درگیری، ساکنان و مغازه داران میدان هدایت در حوالی محله قلهک به خیابان آمده و مشاهده کردند دو جوان که یکی از آنها چاقو به دست دارد با هم درگیر شده‌اند و ناگهان یکی از آنها دیگری را با چاقو از ناحیه قلب هدف قرارداد و زخمی کرد. پسر ۲۴ ساله زخمی چند قدم برداشت و مقابل مغازه‌ای افتاد. ضارب چاقو را به کناری پرت کرد و متواری شد. اما مردم او را تعقیب و دستگیر کردند. امدادگران اورژانس نیز جوان زخمی را به بیمارستان منتقل کردند، اما او ساعاتی بعد به دلیل شدت خونریزی فوت شد.

موضوع این جنایت به مرادی، بازپرس کشیک قتل گزارش و پرونده‌ای در شعبه دوم دادسرای جنایی تهران تشکیل شد. برادر مقتول درباره روز جنایت گفت؛ در پیک موتوری کار می‌کنم. آن روز با متهم پرونده که او نیز پیک موتوری بود درگیری خیابانی پیدا کردم و دعوایمان بالا گرفت. تلفنی موضوع را به برادرم که در نانوایی در همان حوالی کار می‌کرد اطلاع دادم. او خودش را به من رساندند و تلاش بود تا دعوایمان را پایان داده و مزاحمت ده‌که جوان مهاجم با چاقویی که داشت، ضربه‌ای به قلب برادرم زد و او را کشت.

در ادامه تحقیقات معلوم شد عامل جنایت آب دهان خود را به صورت برادر مقتول انداخته و همین باعث درگیری شده و با حضور مقتول در محل درگیری هدف اصابت ضربه چاقو قرار گرفته و فوت کرده است. دیروز شهرور- متهم به قتل- برای ادامه تحقیقات به شعبه دوم دادسرای جنایی تهران انتقال یافت و در جریان تحقیقات منکر جنایت شد و گفت؛ جوان کشته شده را نمی‌شناسم. آن روز یکدفعه مرد جوان در حالی که به سرعت در حرکت بود سمتم آمدو با من درگیر شد و کتکم زد که با هم گلاویز شدیم و بابت رفتارش اعتراض کردم. در جریان این دعوا نفهمیدم چه کسی او را با چاقو به قتل رساند. من قاتل نیستم. با توجه به اظهارات ضد و نقیض متهم او دوباره برای ادامه تحقیقات به اداره دهم پلیس آگاهی تهران منتقل شد.